

چشم مان را باز کنیم، خواستگار کم می آید



بیش از یک ماه است که ما هر روز برای شما مطالبی درباره ازدواج می نویسیم. بخشی از این مطالب درباره ویژگی‌ها و علائم خطری است که باید پیش از ازدواج در طرف مقابل بسنجید و گروهی دیگر هم به مهارت های زندگی مربوط است که بر اساس پژوهش‌ها، بیشترین علت مشاجره‌های خانوادگی میان زوج‌ها به بهانه آنها بوده است.

بیش از یک ماه است که ما هر روز برای شما مطالبی درباره ازدواج می نویسیم. بخشی از این مطالب درباره ویژگی‌ها و علائم خطری است که باید پیش از ازدواج در طرف مقابل بسنجید و گروهی دیگر هم به مهارت های زندگی مربوط است که بر اساس پژوهش‌ها، بیشترین علت مشاجره‌ها، علت مشاحه‌ها، خانه‌دگ، مان، نه‌ها به بهانه آنها بوده است. در این مدت بسیاری از شما از مطالب راضی بوده اید اما گروهی هم پیام‌هایی برای مان فرستاده اند که نشان می دهد نگرانند مبادا با سنجش اصول پیش از ازدواج، مجرد باقی بمانند.

جالب است که این ابراز نگرانی‌ها فقط از طرف خانم‌ها بوده است و آقایان همیشه ابراز رضایت کرده اند تا معیارهای دقیقی برای انتخاب شریک زندگی داشته باشند. برای مثال دختر خانمی، در پیامی مفصل ابراز کرده است که شمار خواستگارهایش کم است و می ترسد اگر به اصول مشاوره ای عمل کند ناچار شود به همه خواستگارهایش جواب منفی بدهد.

خانمی دیگر هم نوشته است که باید هرطور شده ازدواج کند چون سنش در حال افزایش است و نمی خواهد مثل برخی دخترها در خانه پدری اش بماند، بنابر این حاضر نیست پیش از ازدواج به مسائلی همچون ابتلای طرف مقابل به اختلال روانی، همسان نبودن سطح اجتماعی- فرهنگی و یا وجود تفاوت بسیار زیاد در دیدگاه‌ها و باورها و اهداف شان با هم توجهی کند.

یک نفر هم نوشته است که به نظرش هر مطالب علمی درباره ازدواج، بی معنی است و ترجیح می دهد برای تعیین سرنوشتش، به جای مراجعه به مرکز مشاوره، به فالگیر مراجعه کند.

این‌ها که گفتیم شوخی نیست. کاملاً جدی است و ما حتی آن را با زبانی ملایم برای تان نوشته ایم در حالی که این چند مخاطب با زبانی بسیار تند و غیر مؤدبانه نظر داده اند اما حتی اگر از میان چندین هزار مخاطب مطالب مان، شمار ناراضی‌ها کمتر از انگشتان یک دست هم باشد برای ما اهمیت دارد و مایلیم به گفته های شان پاسخ بدهیم.

اول - در روانشناسی مشاوره، اصلی وجود دارد که می گوید «اگر کسی نخواهد در زمینه ای کمک بگیرد و راهنمایی شود، نمی شود به زور کمکش کرد.» در واقع این اصل، کمک گرفتن را اختیاری می داند و توضیح می دهد که اغلب وقتی کسی مقاومت می کند کمک کردن به او بی فایده است به عبارتی دیگر بیدار کردن آدم‌های خواب کار سختی نیست اما وای به روزی که کسی خودش را به خواب بزند و شما اصرار داشته باشید هر طور شده بیدارش کنید.

آنچه ما به شما می گوئیم چکیده ای از پژوهش‌های علمی انجام شده درباره اصلی ترین علل طلاق زوج‌هاست و عقل سلیم گواهی می دهد این اطلاعات آماری که بخش زیادی از آنها نیز بومی و حاصل یک عمر تلاش پژوهشگران است طبیعتاً باید بیشتر از خطوط کف دست آدم‌ها یا نقاشی‌های روی کارت‌های مقوایی فالگیرها یا نقش و نگار قهوه دم کشیده کف فنجان شان، مفید باشد.

به نظر شما اگر فالگیرها می توانند به شما بگویند با چه کسی ازدواج کنید تا خوشبخت شوید، چرا این نسخه را برای خودشان نیچسپیده اند تا زندگی با رفاه صد در صد داشته باشند و ناچار نشوند برای گذران زندگی کف دست و فنجان و کارت تماشا کنند؟ دوم این نکته را باید در قالب یک مثال برای تان توضیح بدهیم. بدن ما انسان‌ها به کلسیم نیاز دارد. شیر حتی وقتی ترش می شود مقداری کلسیم دارد، شما حاضرید برای تأمین کلسیم بدن تان شیر ترشیده بنوشید؟ ما وقتی گرسنه می شویم به غذا برای تأمین انرژی نیاز داریم اگر شما گرسنه باشید قبول می کنید کنسرو ماهی را بخورید که می دانید فاسد شده و سم بوتوکسین آن احتمالاً جانتان را می گیرد؟ ما اگر تشنه شویم آب می خواهیم، آیا حاضرید از آب رودخانه ای که می دانید ضایعات کارخانه ای، به شدت آلوده و سمی اش کرده برای رفع تشنگی استفاده کنید؟

همه مایلیم در زندگی سرمایه گذاری اقتصادی مناسب داشته باشیم، اگر شما هیچ بانکی برای سرمایه گذاری پیدا نکنید، قبول می کنید سرمایه تان را به یک کلاهبردار بدهید که به شما تضمین می دهد نمی خواهد سرتان کلاه بگذارد؟ شما می خواهید سریع به مقصدتان برسید و پی تا کسی می گردید اگر کسی بگوید من گواهی نامه ندارم ولی می توانم ماشین را برانم حاضرید کنارش بنشینید و به جاده بزنید؟

پاسخ همه این پرسش‌ها در صورت سلامت روانی افراد، منفی است چون آشکارا به شما هشدار می دهند شاید هر کدام از آن ابزارهای غلط بخشی از نیازهای شما را در کوتاه مدت برآورده کند اما در دراز مدت روزگارتان را سیاه می کند.

ازدواج هم پاسخ به مجموعه وسیع از نیازهای انسان است اما به نظرمان منطقی است که برای تأمین این نیازها ابزاری نامناسب را انتخاب کنیم که اگر لجبازی و ترس‌های غیرمنطقی را کنار بگذاریم و چشم باز کنیم، خطر نهفته در آنها را می بینیم؟ به هر حال تصمیم گیری با شماست و وظیفه ما فقط آگاهی رسانی است.

بد نیست برای حسن ختام به این آمارها که در دوره های مختلف زمانی از سوی وزارت ورزش و جوانان منتشر شده توجه کنید. در سه سال گذشته ، آمار طلاق نسبت به ازدواج در کشور، رشدی 20 درصدی نشان می دهد. هم اکنون آمار طلاق در تهران نسبت به چند سال گذشته رشدی 35 تا 40 درصدی داشته است. 50 درصد طلاق ها در 5 سال اول زندگی و 15 تا 20 درصد طلاق ها در سال اول زندگی رخ می دهد. از آنجا که گروهی از این زوج ها بدون شناخت صحیح از هم ازدواج می کنند در سال های نخست زندگی مشترک تلاش می کنند با هم آشنا شوند که سرانجام شان به جدایی می کشد. گروهی دیگر هم به این علت جدا می شوند که مهارت مدیریت کردن چالش های زندگی مشترک را ندارند. اگر در دادگاه خانواده دوری بزنید و پای درد دل زوج ها بنشینید متوجه می شوید، خیلی از آنها که امروز می گویند حتی یک ساعت هم نمی توانند با هم زندگی کنند روزگاری پیش از ازدواج به هم می گفتند حتی یک ساعت هم نمی توانند بدون هم زندگی کنند.

مریم یوشی زاده - خبرنگار جام جم آنلاین